

ایران و امریکا از نخستین رویارویی‌ها

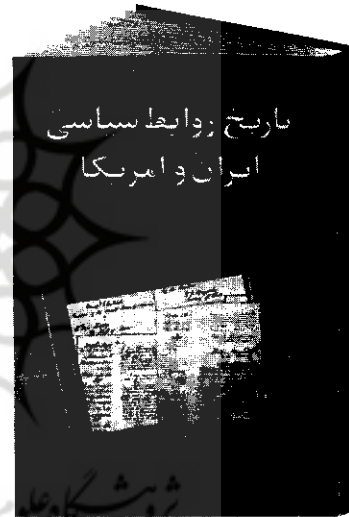
• حجت فلاح توتکار

یلسون در این کتاب با بهره‌گیری از اسناد آرشیوی امریکا، پژوهشی معتبر ارائه کرده است. او در فصل اول، کلیاتی درباره موقعیت جغرافیایی، مذهب و ساخت اجتماعی و سیاسی ایران سده نوزدهم بیان می‌کند، همچنین به اقلیت‌های مذهبی و فعالیت هیأت‌های مسیونری توجه دارد.

یلسون درباره روابط ایران با همسایگان خود، بر اختلافات مذهبی تأکید خاص می‌ورزد. اما واقعیت‌های تاریخی حکایت از این دارد که در ایران دوره قاجار سیاست استعماری انگلستان به این اختلافات دامن می‌زده است. انگلستان به خاطر منافع اقتصادی خود در هند و در نتیجه بی‌کفایتی دولتمردان ایرانی، زمینه‌ساز جدایی هرات و بخش‌های مهمی از خاور ایران گشته بود.

نویسنده مدعی است که سیاست انگلستان در نیمه سده نوزدهم در ایران با افزایش نفوذ روسیه برخوردی تدافعی داشت. این سخن بنیاد تاریخی ندارد. انگلستان در نیمه دوم سده نوزدهم با گرفتن امتیازات فراوانی از ایران، به توسعه نفوذ خود در ایران می‌پرداخت.

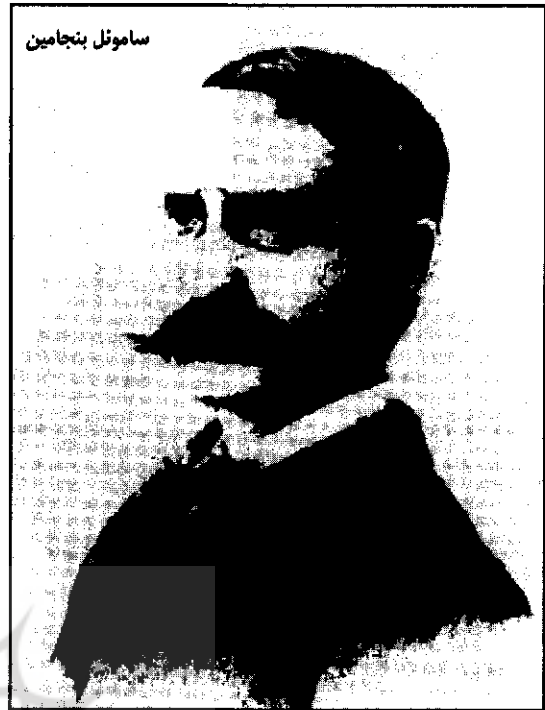
نویسنده به درستی بر رویکرد مثبت ایرانیان به امریکا در ایران دوره قاجار و ورود آن کشور به صحنه سیاسی در جهت رهایی از سلطه دو استعمارگر (روسیه و انگلیس) تأکید دارد. در فصل دوم با عنوان «بیست ساله اول»، روابط سیاسی ایران و امریکا از انعقاد نخستین پیمان دوستی و تجاری از سوی فرخ خان امین‌الدوله در قسطنطنیه در سال ۱۲۷۳ / ۱۸۵۴ با سفیر وقت امریکا در عثمانی مورد بحث قرار گرفته است. در این دوره جهت‌گیری عمده و سیاست امریکا «عدم مداخله» در مسائل ایران بود. در این زمان مهم‌ترین مسئله سیاست خارجی امریکا در ارتباط با ایران، حمایت از مسیونرهای مسیحی در ایران بود.^۱ این مسئله توجه برخی از محافل سیاسی امریکا را برای توجه بیشتر به ایران به وجود آورد. به گونه‌ای که در ۷ اوت ۱۸۸۲ آغاز روابط سیاسی ایران و امریکا مورد تصویب کنگره قرار گرفت.^۲ در همین رابطه ساموئل بنجامین در چهاردهم فوریه ۱۸۸۳ به عنوان نخستین وزیر مختار امریکا در ایران انتخاب شد. بر چنین



- تاریخ روابط سیاسی ایران و امریکا
- ابراهام یلسون
- ترجمه محمدباقر آرام،
- تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۸۳

چاپ دوم کتاب تاریخ روابط سیاسی ایران و امریکا تألیف ابراهام یلسون به ترجمه روان دکتر محمدباقر آرام، از سوی انتشارات امیرکبیر منتشر شده است. این چاپ با ویرایش جدیدی ارائه شده^۱ و مترجم فرزانه کتاب برای آشنایی خوانندگان با پیشینه دوره مورد بحث، مقدمه‌ای روشنگرانه در چگونگی شکل‌گیری استقلال امریکا، چند و چون سیاست خارجی امریکا و ختامش‌های کلی حاکم بر سیاست خارجی این کشور، نگاشته است.

ساموئل بنجامین



در بیست‌سالهٔ اول روابط ایران
و آمریکا که با انعقاد پیمان دوستی
و تجاری سال ۱۲۷۳ هـ. / ۱۸۵۴
در قسطنطنیه میان فرخ‌خان
امین‌الدوله با سفیر وقت آمریکا در
عثمانی آغاز می‌شود، جهت‌گیری
عمده سیاست آمریکا «عدم
مداخله» در مسائل ایران بود. در
این زمان مهم‌ترین مسئله سیاست
خارجی آمریکا در ارتباط با ایران،
حمایت از مسیونرهای مسیحی در
ایران بود

وزارت خارجه آمریکا براساس حفظ سیاست «عدم مداخله»
بود.^۷ ناصرالدین شاه در ۱۳۰۶ / ۱۸۸۶ از او تقاضا کرده بود
که تلاش کند عده‌ای تکنیسین، زمین‌شناس و مهندس معدن
امریکایی به ایران سفر کنند. پرات در این زمان به دنبال این
بود که وزارت خارجه آمریکا را متقاعد کند تا از شاه ایران برای
دیدار از آن کشور دعوت نماید.^۸ در این دوره، هیأت سیاسی
ایران به ریاست حاج حسینقلی خان، سفیر ایران در ۵ اکتبر ۱۸۸۸
وارد پایتخت آمریکا شد. سفیر ایران حامل پیام مهم ناصرالدین
شاه برای رئیس‌جمهور آمریکا بود. شاه ایران از رئیس‌جمهور
آمریکا خواسته بود که از ایران در برابر دخالت‌های تازه‌ی دو
قدرت روس و انگلیس حمایت کند. خواسته دیگر شاه چنین
بود: «با علم و صنایع خود به ما کمک کرده و کمپانی، تجار
و کارخانه‌دارانتان را به کشور ما بفرستید، زیرا امروز هیچ چیز
برای حکومت ایران مهم‌تر از برپایی تمدن جدید، توسعه کشور
و پیشرفت مردم نیست».^۹ معلوم نبود که پادشاه ایران چقدر به
این مفاهیم باور داشته است. او گاه به گاه به چنین خیالاتی
می‌افتاد اما کارنامه پادشاهی‌اش حکایت از ستیز با این مفاهیم
و نیز ستیز با مردان پی‌گیر و معتقد به این مفاهیم دارد. پاسخ
رئیس‌جمهور آمریکا مبنی بر بی‌اعتنایی به خواست و آرزوی
شاه ایران بود.

تراکستون بیبل، جانشین پرات شد تا به کلی تلاش‌های
پرات برای گسترش روابط سیاسی ایران و آمریکا ناکام بماند.
او علاقه‌ای به ادامه راه پرات نداشت، مسئله‌ای که با سیاست

زمینه‌ای بود که سفارتخانه آمریکا در تهران تأسیس گردید.^۴
بنجامین در طول اقامتش تلاش می‌کرد که دولتمردان
آمریکا را به ضرورت گسترش روابط تجاری با ایران توجه دهد.
ناصرالدین شاه در ملاقاتش با بنجامین خواستار فعالیت شرکت-
های امریکایی در ایران بود. ناصرالدین شاه به بنجامین متذکر
شده بود که او این سیاست گسترش روابط را برای رهایی از
سلطه دو قدرت روسیه و انگلستان دنبال می‌کند.
بنجامین در طول دوره مأموریت خود توانست کنسولگری
آمریکا را در بوشهر تأسیس کند و فردی به نام تیگران ملکم،
تاجر دورگه انگلیسی-ایرانی را به عنوان کنسول آمریکا در آن
شهر برگزیند.^۵ یلسون بر این باور است که بنجامین در دوره
مأموریت خود نتوانست به فهمی واقعی از سیاست ایران نائل
آید.^۶

پس از بنجامین، اف. ایچ ویستون در ۱۹ مارس ۱۸۸۵
جانشین او شد. وی تا دوم آوریل ۱۸۸۶ در این مقام بود. شاه از
او خواسته بود که آمریکا برای ساختن راه آهنی از خلیج فارس
به تهران تلاش کند. اما سفیر آمریکا تلاشی در این زمینه نکرد.
او حتی به دولتمردان آمریکا گزارش داده بود که زمینه مهمی
برای فعالیت تجاری در ایران وجود ندارد.

جانشین ویستون یعنی استنر پرات، به طور مداوم به دنبال
گسترش روابط تجاری و سیاسی آمریکا با ایران بود. پرات از
سوی دولتمردان ایرانی ترغیب می‌شد تا سیاستمداران امریکایی
را وادارد به گسترش روابط سیاسی با ایران کنند. اما پاسخ

در جنبش مقاومت تبریز به رهبری ستارخان در عصر استبداد صغیر بود که هاوارد باسکرویل، معلم مدرسه مسیونری در تبریز به صفوف مجاهدان پیوست

یسلسون در این کتاب با بهره‌گیری از اسناد آرشیوی امریکا، پژوهشی معتبر ارائه کرده است

بنجامین لاباری از سوی سفیران امریکا می‌پردازد. لاباری گویا به دست یکی از کردهای ایرانی به نام میرغفار، به قتل رسید.^{۱۵}

فصل چهارم به بررسی سیاست امریکا در دوره انقلاب مشروطیت ایران اختصاص یافته است. جان جکسون، سفیر امریکا و داتی، کنسول امریکا در تبریز، سعی در عدم دخالت و درگیر شدن در رویدادهای انقلاب مشروطیت داشتند. در جنبش مقاومت تبریز به رهبری ستارخان در عصر استبداد صغیر بود که هاوارد باسکرویل، معلم مدرسه مسیونری در تبریز به صفوف مجاهدان پیوست. داتی، کنسول امریکا به طور مستمر به دنبال ممانعت از پیوستن باسکرویل به مجاهدان بود. باسکرویل در یکی از جنگ‌ها با نیروهای ضدانقلاب کشته شد. مجاهدان و مردم تبریز، تشییع جنازه باشکوهی برای او انجام دادند.^{۱۶} سیاست رسمی امریکا، البته بر عدم مداخله در منازعات میان نیروهای انقلاب و ضدانقلاب در ایران بود.

نویسنده کتاب در فصل پنجم به مأموریت شوستر در ایران می‌پردازد. او متذکر می‌شود که روسیه و انگلستان در آغاز با آمدن شوستر مخالفتی نداشتند. شوستر از سوی مجلس دوم برای انجام اصلاحات اقتصادی و مالی استخدام شده بود. علی قلی خان کاردار ایران، در امریکا مسئله استخدام شوستر را پیگیری می‌کرد. شوستر پس از آمدن به ایران دست به اقداماتی زد، مجلس دوم نیز از لحاظ قانونی، اختیاراتی تام به او داده بود. فعالیت‌های شوستر سرانجام با اولتیماتوم روسیه در ۷ ذیحجه ۱۳۲۹ مینی بر اخراج وی پایان یافت.^{۱۷} انگلستان نیز با سیاست روس‌ها همگام بود. در این میان تلاشی از طرف سفارت امریکا در ایران برای حمایت از شوستر صورت نگرفت.

در فصل ششم روابط ایران و امریکا در جنگ جهانی اول و مسئله کنفرانس صلح مورد بررسی قرار گرفته است. در این دوره، جان کالدول، سفیر امریکا در ایران بود. چنان که می‌دانیم ایران از آغاز جنگ موضعی بی‌طرف داشت، اما دولت‌های روس و انگلیس موضع بی‌طرفی ایران را نقض کردند. دولت ایران بر آن بود تا دولت امریکا را ترغیب به حمایت از موضع بی‌طرفی

وزارت خارجه امریکا مطابقت داشت. بیل در طول مأموریتش، شاه را ترغیب به صدور فرمانی کرد که براساس آن مسیونرهای امریکایی حق تملک در ایران کسب کردند.^{۱۸}

پس از بیل، واتسن اسپری سفیر امریکا در ایران شد. در زمان اسپری بود که حاج سیاح به سفارت امریکا پناهنده گردید؛^{۱۹} مسئله‌ای که مکاتبات میان سفیر و وزارت خارجه امریکا درباره چند و چون تابعیت امریکایی حاج سیاح را به دنبال داشت. پس از اسپری، الکساندر مک‌دونالد جانشین او شد. او در دوره مأموریت خود با قضیه کشته شدن تعدادی از ارمنیان در مرزهای ترکیه مواجه شد. او پی‌گیری وضع مسیونرها را مسئله اصلی مأموریت خود می‌دانست.^{۲۰}

آرتور هاردی، جانشین مک‌دونالد، خط مشی او را دنبال می‌کرد. اما هریوت باون، سفیر جدید پی‌گیر سیاست پرات برای حضور فعال امریکا در صحنه سیاست ایران بود. او از مخالفان نفوذ روسیه در دربار ایران محسوب می‌شد. باون شاهد قیام مردم بر ضد امتیاز رژی بود.^{۲۱}

گریسکم، جانشین باون، سیاست وی را وانهاد و به وزارت خارجه کشورش اعلام کرد که به دلیل نفوذ روسیه در منطقه شمال و نفوذ انگلستان در بخش جنوب ایران، محیط مناسبی برای فعالیت‌های تجاری وجود ندارد. او تنها راه مقابله با این وضعیت، در صورت ورود امریکا بر صحنه تجاری را ایجاد مجموعه‌ای از چند مؤسسه تجاری امریکا برای مشارکت در اقتصاد ایران اعلام کرد.^{۲۲}

از نظر نویسنده کتاب، سیاست خارجی امریکا در طول دوره ۱۸۸۳-۱۳۰۱/۱۹۰۳-۱۳۲۱ ق، سیاست عدم مداخله بوده است. از دیدگاه وزارت خارجه امریکا تنها مسئله مهم قابل توجه در ایران، حمایت از مسیونرهای مذهبی بود، حال آن که در تمامی این سال‌ها، جمعی از سیاستمداران ایرانی به امریکا به عنوان نقطه اتکا و امیدی برای رهایی از سلطه دو قدرت دیرینه سال استعمارگر، می‌نگریستند. آنان به دنبال نیروی سوم در سیاست خارجی ایران بودند.

یسلسون در فصل سوم به مسئله پی‌گیری قتل کشیش

مورگان شوستر



هاوارد باسکرویل



پس از جنگ جهانی اول، برخی فعالان سیاسی ایران به دنبال ساختن ایرانی مستقل به دور از سلطه انگلستان بودند. آن‌ها انتظار داشتند که امریکا از طرح ادعاهای ایران در کنفرانس صلح حمایت کند. این تلاش برخی از فعالان سیاسی هنگامی صورت می‌گرفت که دولت وقت ایران به ریاست میرزا حسن خان وثوق‌الدوله به دنبال توافق با انگلستان بود

ایران بوده است اما دولت ایران با مذاکرات پنهان با انگلستان نه تنها کمکی به هیأت اعزامی خود نمی‌کرد بلکه زمینه‌های انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ را فراهم می‌آورد.^{۱۹} نویسنده درباره بازتاب تأثیر مخالفت امریکا با قرارداد ۱۹۱۹ به عراق پرداخته است. واقعیت آن بود که علت اصلی مخالفت امریکا با قرارداد، همدلی با میهن‌پرستان ایران نبود بلکه مسئله اصلی، کسب امتیازات نفتی در ایران بود، که یلسون هم به آن اشاره دارد.^{۲۰} قرارداد ۱۹۱۹ امکان کسب امتیازات نفتی توسط امریکا را از بین می‌برد. یلسون در جایی از کتاب خود به اشتباه از لانسینگ به عنوان سفیر امریکا نام می‌برد (ص ۲۲۴). زیرا بنا به توضیحات خود وی لانسینگ در این زمان وزیر خارجه امریکا بود.

پس از کودتای ۳ اسفند ۱۲۹۹، قدرت‌یابی رضاخان سردار سپه مورد توجه سفارت امریکا قرار گرفت. رضاخان در دیداری با سفیر امریکا خواستار کمک امریکا برای مقابله با شوروی بود. اتحاد شوروی در این زمان به دلیل عقد قرارداد ۱۹۲۱ با ایران و لغو تمامی قراردادهای و امتیازات روسیه تزاری جایگاه مهمی در افکار عمومی ایران، خاصه روشنفکران داشت، حال آن که امریکا حاضر به لغو کاپیتولاسیون نبود.^{۲۱}

نویسنده در فصل هشتم به مسئله تمایل دولت ایران برای استخدام مستشاران امریکایی می‌پردازد. در این زمان دولت ایران بار دیگر درصدد استفاده شوستر برآمده بود. کالدول هم با تلاش دولت ایران برای استخدام مستشاران امریکایی همکاری

ایران کند. در اواخر جنگ درگیری‌های غرب کشور و کشته شدن تعدادی از ارامنه و مسئله مسیونرهای مذهبی مورد توجه سفارت امریکا قرار گرفت. پس از جنگ جهانی اول، برخی فعالان سیاسی ایران به دنبال ساختن ایرانی مستقل به دور از سلطه انگلستان بودند. آن‌ها انتظار داشتند که امریکا از طرح ادعاهای ایران در کنفرانس صلح حمایت کند. این تلاش برخی از فعالان سیاسی هنگامی صورت می‌گرفت که دولت وقت ایران به ریاست میرزا حسن خان وثوق‌الدوله به دنبال توافق با انگلستان بود.^{۱۸}

در فصل هفتم کتاب، قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس، تاکتیک شوروی و ناخشنودی امریکا از عقد این قرارداد مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. با انتشار اخبار قرارداد ۱۹۱۹ موجی از خشم و اعتراض بر ضد دولت وثوق‌الدوله برانگیخته شد. در این میان روزنامه رعد به سردبیری سیدضیاء در حمایت از قرارداد و دولت وثوق برآمد. در مقاله منتشر شده در این روزنامه چنین استدلالی مطرح شد که وثوق برای بازسازی اقتصادی - نظامی ایران، مجبور به بستن این قرارداد بوده است. روزنامه رعد مدعی شد که کشورهای دیگری چون امریکا حاضر به همکاری با ایران نبودند.

انتشار این مقاله، واکنش سفارت امریکا را به دنبال داشت. سفارت امریکا در تکذیبیه‌ای، متذکر شد که امریکا به دنبال طرح ادعاهای ایران در کنفرانس صلح و کمک به هیأت اعزامی

اثر حاضر پس از کودتای انگلیسی - امریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سقوط دولت ملی - دموکراتیک دکتر محمد مصدق نگاشته شده است

کشیدن لوله، زمینه فعالیت شرکت‌های نفتی امریکا را مشکل کرده بود. هدف امریکا در به دست آوردن امتیاز نفت شمال، واکنش انگلستان را به دنبال داشت.

در سال ۱۳۰۰ ش. دولت قوام با شرکت استاندارد اوپل امریکایی برای استخراج نفت شمال به مذاکره پرداخت.^{۳۳} مجلس چهارم هم با این امتیاز موافق بود، اما به دلیل این که استاندارد اوپل برخلاف متن امتیازنامه برای انتقال نفت ایران از جنوب، شرکت نفت ایران و انگلیس را در امتیاز نفت شمال سهیم نمود، مجلس ایران امتیاز استاندارد اوپل را بی اعتبار اعلام کرد.

شرکت نفتی سینگر امریکایی برای اخذ امتیاز نفت شمال تلاش کرد و در نهایت در تیر ۱۳۰۳ امتیاز نفت شمال توسط سینگر به تصویب مجلس پنجم رسید، اما با کشته شدن کنسولیاریمبری و نیز عدم امکان انتقال نفت از طریق اتحاد شوروی این تلاش هم به جایی نرسید.^{۳۵}

نویسنده در پایان بحث‌های تاریخی خود به دولت امریکا متذکر شده است که آن دولت باید برای حفظ برداشت خوش - بینانه قدیمی ایرانیان از امریکا تلاش کند. اثر حاضر پس از کودتای انگلیسی - امریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سقوط دولت ملی - دموکراتیک دکتر محمد مصدق نگاشته شده است.

نویسنده که بیش از هر چیز به حفظ منافع امپریالیستی کشورش می‌اندیشد، به سیاستمداران امریکایی توصیه می‌کند تا برای تفهیم این موضوع به ملت ایران که قرارداد کنسرسیوم به نفع ایران بوده است، تلاش کنند. آن توصیه نویسنده را البته ملت ایران به هیچ گرفت، چرا که امریکا با دخالت مستقیم در سقوط دولت دکتر مصدق که نماد استقلال و آزادخواهی ملت ایران بود و تحمیل قرارداد امپریالیستی کنسرسیوم باعث شد تا در ذهنیت تاریخی مردم ایران به عنوان کشوری امپریالیستی و مخالف دولت‌های مستقل و ملی، تلقی شود. ایرانیان در تصورات ابتدایی و ساده سده نوزدهمی خود نسبت به امریکا تجدیدنظر کردند.

مترجم کتاب برای کمک به خوانندگان و علاقه‌مندان به



می‌کرد اما لانسنینگ، وزیر خارجه متذکر شد: «بدون تقبل هر نوع مسئولیتی مایل است که نام اشخاص مناسب را به سفارت ایران پیشنهاد نماید.»^{۳۲}

شوستر در این زمان مشغول کار انتشاراتی بود. مهدی‌خان، سفیر ایران قصد داشت وی را استخدام کند، اما وزارت خارجه امریکا تمایلی به این کار نداشت. همین مسئله باعث انصراف شوستر شد. یسلسون علت عدم همکاری وزارت خارجه امریکا با استخدام مجدد شوستر را نگرانی از مخالفت انگلستان بر سر مذاکرات نفت می‌داند.^{۳۴}

یسلسون در فصل نهم به مسئله نفت و تلاش شرکت‌های امریکایی برای کسب امتیازات نفتی در ایران توجه دارد. در طول جنگ جهانی اول، نفت برای دولت‌های بزرگ اهمیت بیشتری یافت. دولت امریکا پس از جنگ از فعالیت شرکت‌های نفتی امریکا حمایت می‌کرد. انگلستان با داشتن امتیازداری و اجازه انحصاری اکتشاف در مناطق نفت خیز پنج ایالت شمالی و نیز داشتن حق انحصاری

امریکا با دخالت مستقیم در سقوط دولت دکتر مصدق که نماد استقلال و آزادخواهی ملت ایران بود و تحمیل قرارداد امپریالیستی کنسرسیوم باعث شد تا در ذهنیت تاریخی مردم ایران به عنوان کشوری امپریالیستی و مخالف دولت‌های مستقل و ملی، تلقی شود

تاریخ روابط ایران و آمریکا، متن اولین قرارداد میان این دو کشور را به عنوان ضمیمه به کتاب افزوده است. البته مناسب بود که مترجم کتاب فهرستی از سفرای ایران و آمریکا به همراه دوره مأموریت‌شان را نیز به عنوان ضمیمه می‌آورد.

مترجم محترم در چاپ دوم کتاب با افزودن واژه «تاریخ» به عنوان کتاب بر آن بوده تا بر ویژگی تاریخی نه سیاسی کتاب تأکید شود. اما چنان که از مقدمه و نتیجه‌گیری نویسنده کتاب برمی‌آید یکی از دلایل اصلی نویسنده برای تدوین اثر، انگیزه سیاسی بوده است. نویسنده در مقدمه، یکی از دلایل اصلی تدوین کتاب را «فهم مسئله بهتر روابط معاصر ایران و آمریکا» می‌داند.

امید آن داریم که مترجم کتاب، در صورت دسترسی به گزارش‌های سفارت آمریکا و کنسولگری‌های آن کشور در سال‌های قبل و پس از انقلاب مشروطیت به ترجمه آن گزارش‌ها اقدام کند، تا به غنای مطالعات تاریخی دوره مورد بحث کتاب یاری رساند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. یسلسون، آبراهام. تاریخ روابط سیاسی ایران و آمریکا، ترجمه محمدباقر آرام، چاپ دوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۳.
۲. همان، ص ۶۴
۳. همان، ص ۶۵
۴. بنجامین خاطرات و مشاهداتش را در کتابی به یادگار گذاشته است که ترجمه آن یا این مشخصات چاپ و منتشر شده، بنجامین، سفرنامه، ترجمه مهندس محمدحسین کردبچه، چاپ دوم، تهران، جاویدان، ۱۳۶۹.
۵. یسلسون، پیشین، ص ۷۱.
۶. همان، ص ۷۲.
۷. همان، ص ۷۷.
۸. همان، ص ۸۰.
۹. همان، ص ۸۳.

۱۰. همان، ص ۸۷.
۱۱. در این باره بنگرید به: سیاح، محمدعلی، خاطرات، به کوشش حمید سیاح و به تصحیح سیف‌الله گلکار، تهران، چاپ دوم، امیرکبیر، ۱۳۵۹، صص ۴۳۲-۴۴۵.
۱۲. یسلسون، پیشین، صص ۹۴-۹۳.
۱۳. همان، صص ۱۰۴-۱۰۲.
۱۴. همان، ص ۱۱۰.
۱۵. همان، ص ۱۱۳.
۱۶. در این باره بنگرید به: کسروی، احمد، تاریخ مشروطه ایران، ج ۲، چاپ شانزدهم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳، صص ۸۹۷-۸۹۱.
۱۷. در این باره بنگرید به: کسروی، احمد، تاریخ هجده ساله آذربایجان، ج ۱، چاپ نهم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷، صص ۲۶۰-۲۳۴.
۱۸. برای آگاهی بیشتر در این باره بنگرید به: شیخ‌الاسلامی، جواد، سیمای احمد شاه قاجار، ج ۱، تهران، گفتار، ۱۳۶۸، صص ۱۷۸-۱۷۰.
۱۹. یسلسون، پیشین، ص ۲۲۵، شیخ‌الاسلامی، پیشین، صص ۲۶۴-۲۶۲.
۲۰. یسلسون، پیشین، صص ۲۳۳-۲۳۲.
۲۱. همان، صص ۲۴۳-۲۴۲.
۲۲. همان، صص ۲۵۰-۲۴۹.
۲۳. همان، ص ۲۵۴.
۲۴. همان، ص ۲۷۱، برای اطلاعات بیشتر بنگرید به: مکی، حسین. تاریخ بیست ساله ایران، ج ۱، تهران، علمی، ۱۳۳۳ صص ۳۵۲-۳۴۴؛ فاتح، مصطفی، پنجاه سال نفت ایران، تهران، پیام، چاپ دوم، ۱۳۵۸، صص ۳۳۷-۳۳۳.
۲۵. برای اطلاعات بیشتر بنگرید به: حسین مکی، پیشین، ج ۳، چاپ دوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷، صص ۱۰۸-۹۲؛ فاتح، پیشین، صص ۳۴۲-۳۳۷؛ وزیر، شاهرخ، نفت و قدرت در ایران، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران، عطایی، ۱۳۸۰، صص ۱۶۲-۱۶۰.